

گل‌های آبی

"نگلی" !

نگلی جوان

از روزی دور من ،

در تو کجایی !

از سحر ،

در ستار بر بوی جهان کرد !

از آنچه دیدم و شنیدم در سفر ،

مرا خنک کن .

ما - تازه بیدار از خواب آلود را ...

"نگلی" ، بگو

آیا از آن بالایی بالا

نفس زنی چون اطلالی است ؟

یا قاره در آغوش دریا است ؟

آیا میان کوه که

در نور کفر صبحی صبحی

البرز بیدار است ؟

با آن سر سبز و سفیدی

چون پرچم ما ...

"نگلی" بگو

از مردم دنیا بگو

هر است و بار کاینان

یا صفت و نحو غایت ؟

"نگلی"

دلم بگفت

عنوانه است که ؟

گل آبی ۲-

شعر که در غم آن بهود و بخند
شعر که شوق آن فرزند

سکین "بید"

در لوتی آنی که دهر

گل آبی بسید بود

یا ارزاد

+ + +

۱۹۹۹
کتابخانه ملی
کتابخانه ملی